

## بررسی آموزه‌های طب روحانی و جسمانی در آثار بوعلی‌سینا با رویکرد روایی-قرآنی

«عنوان مقاله ناظر به محورهای همایش باشد»

■ سمیه صفری زاد<sup>1</sup>

### چکیده

در تمدن اسلامی، بوعلی‌سینا به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین فیلسوفان و پزشکان، با ترکیب فلسفه، طب و الهیات اسلامی، تأثیر فراوانی بر توسعه طب اسلامی و پزشکی فلسفی گذاشته است. این مطالعه به تحلیل و تطبیق مفاهیم طب روحانی و جسمانی ابن سینا با آموزه‌های قرآنی و روایی می‌پردازد تا پیوند میان این دو دستگاه معرفتی آشکار شود. این تحقیق بر اساس روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از تحلیل محتوای مقایسه‌ای، مفاهیم کلیدی ابن سینا را در زمینه‌های مختلف سلامت جسم و روح در چارچوب قرآن و حدیث بررسی کرده است. یافته‌های مطالعه نشان می‌دهند که ابن سینا نه تنها به تعادل میان اخلاط بدن در طب جسمانی تأکید کرده، بلکه سلامت روحی را نیز از طریق تزکیه نفس و اعتدال اخلاقی به‌عنوان بخش مهمی از سلامت انسان مطرح می‌کند. این مفاهیم با آموزه‌های قرآنی و روایی مانند حفظ‌الصحه و تزکیه نفس هم‌راستا است. از این رو، این تحقیق به پر کردن شکاف‌های موجود در پیوند میان فلسفه پزشکی ابن سینا و آموزه‌های اسلامی کمک می‌کند و پایه‌گذار مدلی جامع برای طب اسلامی می‌شود. این پژوهش می‌تواند راه‌گشای پژوهش‌های بیشتر در زمینه‌های سلامت جامع و تلفیق علم و دین در پزشکی باشد.

### واژگان کلیدی

طب اسلامی، بوعلی‌سینا، طب روحانی، طب جسمانی، قرآن، حدیث، تزکیه نفس.

<sup>1</sup>. سطح ۳ حوزه، حوزه جامعه الزهراء، قم، قم، ایران، (نویسنده مسئول). safarizaad@gmail.com  
09180193514

در تمدن اسلامی، بوعلی‌سینا (ابن سینا) با ترکیب فلسفه، طب و الهیات اسلامی، جایگاه ویژه‌ای در تاریخ علم دارد (رفیعی، ۱۳۹۵: ۷). آثار او در زمینه طب روحانی و جسمانی، به‌ویژه القانون فی الطب و الشفاء، تأثیر زیادی بر تفکر پزشکی اسلامی گذاشته است (امدادی، ۱۳۹۹: ۶۴). در عین حال، تطبیق مفاهیم پزشکی او با آموزه‌های قرآنی و روایی نیازمند تحلیل دقیق و تطبیقی است تا پیوند میان این دو دستگاه معرفتی آشکار گردد.

این پژوهش از اهمیت خاصی برخوردار است زیرا نه تنها به تحلیل و تطبیق مفاهیم طب روحانی و جسمانی ابن سینا می‌پردازد، بلکه در تلاش است تا این مفاهیم را با اصول قرآن و حدیث مقایسه کند. اهمیت این تحقیق در آن است که با شفاف‌سازی روابط میان فلسفه پزشکی ابن سینا و آموزه‌های دینی اسلامی، می‌تواند پایه‌های علمی جدیدی برای تلفیق عقل، تجربه و وحی در حوزه سلامت انسان فراهم آورد. علاوه بر این، بررسی همراستایی و تفاوت‌های موجود میان دو دستگاه معرفتی (فلسفی و دینی) برای پژوهشگران و محققان در این زمینه ضروری است. ضرورت این پژوهش به‌ویژه درک عمیق‌تر و کاربردی از سلامت جسم و روح در طب اسلامی است که می‌تواند در مسیر توسعه علوم پزشکی اسلامی و همچنین در فهم صحیح از آموزه‌های قرآنی و روایی در حوزه سلامت، مفید واقع شود.

مهم‌ترین مسئله در این مقاله، تبیین پیوند میان طب روحانی و جسمانی در آثار بوعلی‌سینا و آموزه‌های قرآنی است. این پیچیدگی‌ها زمانی نمایان می‌شود که در نظریات ابن سینا، هر یک از ابعاد جسمی و روحی انسان به‌طور جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرند، اما در پیوند آنها با یکدیگر و ارتباط این دو بعد با اصول دینی و قرآنی، برخی سوالات اساسی مطرح می‌شود. پرسش اصلی در این زمینه آن است که آیا مفاهیم پزشکی ابن سینا که عمدتاً بر اساس عقلانیت و تجربه شکل گرفته‌اند، می‌توانند با آموزه‌های قرآن و حدیث که سلامت انسان را به‌عنوان فرآیندی الهی و معنوی مطرح می‌کنند، همراستا شوند؟ این سوالات در خصوص پیوند سلامت جسمانی و روحانی در آثار ابن سینا و در متون وحیانی اسلامی به‌ویژه قرآن کریم و احادیث، باعث بروز چالش‌های بسیاری شده است.

یکی دیگر از پیچیدگی‌های موجود، مفهوم سلامت در فلسفه ابن سینا و قرآن است. در آثار ابن سینا، سلامت بیشتر به‌عنوان یک تعادل میان اخلاط بدن و قوای روحی انسان تعریف می‌شود، در حالی که قرآن سلامت را نه تنها در بعد جسمانی بلکه در بعد روحانی و معنوی تعریف کرده و آن را مرتبط با تقرب به خداوند می‌داند. این تفاوت در تعریف و هدف سلامت، سبب بروز چالش‌هایی در تطبیق این دو دیدگاه و درک جامع از مفهوم سلامت در طب اسلامی می‌شود. بنابراین، باید بررسی شود که آیا تعادل جسم و روح در نظر ابن سینا و قرآن، به‌طور یکسان به کمال انسانی می‌انجامد یا اهداف مختلفی را دنبال می‌کند.

چالش دیگری که در این پژوهش مطرح می‌شود، روش‌شناسی تحلیل تطبیقی مفاهیم پزشکی و دینی است. هرچند که ابن سینا به‌طور مستقیم از اصول قرآنی و روایات اسلامی در تبیین نظریات خود استفاده نکرده است، اما هم‌راستایی‌های قابل توجهی میان نظریات او و آموزه‌های قرآن و حدیث وجود دارد. پرسش اساسی این است که چگونه می‌توان میان این دو دستگاه معرفتی (فلسفی و دینی) پیوندی تحلیلی برقرار کرد تا بتوان مفاهیم طب روحانی و جسمانی ابن سینا را در چارچوب قرآن و حدیث مورد بررسی قرار داد؟

در نهایت، یکی از چالش‌های اصلی، تحلیل و تطبیق مفاهیم طب روحانی در آثار ابن سینا با آموزه‌های قرآن و حدیث است. در آثار ابن سینا، روح به‌عنوان عامل اصلی در سلامت انسان معرفی می‌شود و اهمیت اعتدال اخلاقی و روانی را در این زمینه برجسته می‌کند. در قرآن نیز به مفهوم تزکیه نفس و قلب سلیم تأکید شده است. این همپوشانی میان طب روحانی ابن سینا و آموزه‌های دینی نیازمند تبیین دقیق‌تری است، به‌ویژه اینکه آیا طب روحانی ابن سینا تنها به‌عنوان رویکردی تجربی و فلسفی در نظر گرفته می‌شود یا اینکه با اصول دینی، به‌ویژه در زمینه معنویت و تطهیر نفس، ارتباط دارد؟

مطالعات پیشین در زمینه طب اسلامی و فلسفه ابن سینا به‌ویژه در حوزه‌های طب روحانی و جسمانی نشان‌دهنده توجه به هم‌افزایی میان طب و اخلاق اسلامی است. در مطالعه علی‌زاده (۱۳۹۹)، به ارتباط مزاج‌شناسی با سلامت روح و جسم پرداخته شده است. وی نشان می‌دهد که مزاج به‌عنوان پایه سلامت، نیازمند توازن در هر دو بُعد جسمانی و روحانی است و این توازن به‌طور مستقیم بر کمال انسانی تأثیرگذار است. شمسایی و طبائی (۱۳۹۸) در پژوهش خود تأکید دارند که ابن سینا سلامت روحی را به‌عنوان عنصر بنیادین برای سلامت جسمانی می‌داند و این نکته با آموزه‌های قرآنی هم‌راستا است که بر تزکیه نفس و پرورش اخلاقی تأکید می‌کند. در مطالعه حبیبی و کردی اردکانی (۱۳۹۳)، بر تعامل ذهن و بدن در فلسفه پزشکی ابن سینا تأکید شده است و نشان می‌دهد که روان‌شناسی او از طریق تمرکز بر تعادل عقل، نفس و جسم، اساس‌گذار نظام پزشکی جامع است.

نوآوری‌های پژوهش حاضر در مواردی تبیین می‌گردد، این جستار به‌طور جامع و تحلیلی مفاهیم پزشکی ابن سینا را در چارچوب آموزه‌های وحیانی قرآن و حدیث تطبیق می‌دهد. برخلاف پژوهش‌های قبلی که بیشتر بر جنبه‌های تجربی یا فلسفی ابن سینا تأکید کرده‌اند، این تحقیق پیوند این دو دستگاه معرفتی (فلسفی و دینی) را مورد بررسی قرار می‌دهد. علاوه بر این، پژوهش حاضر یک الگو جامع برای سلامت جسم و روح ارائه می‌دهد که هم از دیدگاه فلسفی و هم دینی قابل فهم است. این مدل می‌تواند به‌عنوان مبنای نظری برای گسترش طب اسلامی و درمان‌های معنوی در نظر گرفته شود. همچنین، این تحقیق به‌طور خاص بر مفاهیم تزکیه نفس، اعتدال اخلاقی و سلامت روحی در اندیشه‌های ابن سینا و تطبیق آن با آموزه‌های قرآنی و حدیثی تأکید دارد که در پژوهش‌های قبلی کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

هدف این پژوهش، بررسی و تحلیل روابط میان طب روحانی و جسمانی ابن سینا و تطبیق آن با آموزه‌های قرآن و حدیث است. این تحقیق تلاش می‌کند که همراستایی مفاهیم فلسفی ابن سینا را با اصول دینی اسلام، به‌ویژه در زمینه سلامت جسم و روح، بررسی کند. ضروری است که این پژوهش به فهم بهتر از طب اسلامی کمک کند و ابعاد مختلف سلامت جسم و روح را در فلسفه ابن سینا و آموزه‌های قرآنی بررسی نماید. همچنین، با توجه به شکاف‌های پژوهشی موجود، این تحقیق می‌تواند گام‌های جدیدی در زمینه تطبیق علوم اسلامی با مفاهیم معاصر سلامت بردارد.

در نهایت سوالاتی که پژوهش حاضر در جهت پاسخگویی به آن ارائه شده در مواردی تبیین می‌گردد، چگونه می‌توان مفاهیم طب روحانی و جسمانی ابن سینا را در چارچوب آموزه‌های قرآن و حدیث تطبیق داد؟ همچنین، آیا مفهوم سلامت در آثار ابن سینا و قرآن به‌طور یکسان به کمال انسانی می‌انجامد یا اهداف مختلفی را دنبال می‌کند؟ در نهایت، چگونه می‌توان پیوند میان نظریات فلسفی و تجربی ابن سینا را با اصول و حیاتی در قرآن و حدیث تبیین کرد؟

## ۲. مبانی نظری پژوهش

این بخش به بررسی مبانی نظری طب روحانی و جسمانی در سنت اسلامی و اندیشه‌های بوعلی‌سینا می‌پردازد. در ابتدا، به تبیین مفهوم انسان در قرآن و فلسفه اسلامی پرداخته می‌شود که انسان موجودی دو بعدی است و سلامت او حاصل تعادل میان جسم و روح است. سپس، نگاه ابن سینا به سلامت و بیماری بررسی می‌شود که در آن تعادل میان اخلاط بدن و سلامت روحی ضروری است. در نهایت، ارتباط مفاهیم طب روحانی و جسمانی با آموزه‌های قرآنی و روایی تحلیل می‌شود، جایی که قرآن نیز بر اهمیت تعادل جسم و روح تأکید دارد.

### ۲-۱. مفهوم طب روحانی و جسمانی در سنت اسلامی

در سنت اسلامی، انسان موجودی دو بعدی و در عین حال واحد است؛ یعنی دارای «روح» و «جسم» که هر یک نقش مکمل دیگری را در مسیر کمال ایفا می‌کند (خاکدوست و رجب نژاد، ۱۳۹۹: ۹۱). در قرآن کریم، روح به عنوان نفخه‌ای الهی معرفی می‌شود که مبدأ حیات و شعور انسانی است: «وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» (حجر: ۲۹). این آیه، بنیاد انسان‌شناسی قرآنی را بر الهی بودن روح و وابستگی وجودی آن به خداوند استوار می‌سازد. در مقابل، جسم جنبه مادی و طبیعی انسان است که در آفرینش از خاک (طین) شکل گرفته است. بدین ترتیب، در نگاه اسلامی، انسان ترکیبی از عنصر مادی و نفخه روحانی است؛ روح حامل معنا و آگاهی است و جسم وسیله تحقق آن در عالم ماده. در فلسفه اسلامی نیز به‌ویژه در آثار بوعلی‌سینا، روح و جسم دو مرتبه از مراتب وجود

انسان تلقی می‌شوند که در عین تمایز، پیوندی وجودی دارند (حیدری و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۲). روح از سنخ مجردات و قائم به ذات است، در حالی که جسم از سنخ مادیات و تابع قوانین طبیعت است. این تمایز، زمینه‌ساز شکل‌گیری نظام «طب روحانی و جسمانی» در تمدن اسلامی شد؛ نظامی که در آن، سلامت انسان نه صرفاً به بدن محدود می‌شود و نه تنها در روح خلاصه می‌گردد، بلکه حاصل هماهنگی میان این دو ساحت است. در نظام طبی قدیم، پزشک مسلمان بر مبنای آموزه‌های قرآنی و فلسفی، سلامت را نوعی تعادل میان قوا و مزاج‌ها می‌دانست؛ چنان‌که بیماری نیز در اثر اختلال در این توازن پدید می‌آمد (عمارتکار و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۸). از این منظر، درمان حقیقی هنگامی تحقق می‌یابد که هم تعادل جسمانی (از طریق تغذیه، ورزش و دارو) و هم تعادل روحانی (از طریق ایمان، ذکر و آرامش درونی) برقرار شود. به همین سبب، در طب اسلامی اصطلاح «طب روحانی» به اصلاح حالات روانی و اخلاقی، و «طب جسمانی» به تنظیم مزاج و قوای بدنی اشاره دارد. این نگاه جامع، بر خلاف نگرش مکانیکی طب مدرن، انسان را موجودی اخلاقی، الهی و هدفمند می‌بیند که سلامت او با سعادت روحی گره خورده است.

## ۲-۲. نگاه بوعلی‌سینا به سلامت و بیماری

بوعلی‌سینا (ابن‌سینا) را می‌توان نماینده‌ی تام اندیشه‌ی تلفیقی میان فلسفه، طب و الهیات دانست (سراج و حبیبی منش، ۱۳۹۷: ۹۴). او در آثار مختلف خود، به‌ویژه در «قانون در طب»، «الاشارات و التنبيهات»، «الشفاء» و رساله‌هایی چون «رساله فی النبض»، کوشیده است پیوند میان جسم و روح را به‌صورت نظام‌مند تبیین کند. در نگاه او، سلامت (صحّه) نتیجه‌ی هماهنگی عناصر و قوا در بدن است، اما این هماهنگی تنها زمانی پایدار است که نفس ناطقه نیز در حالت اعتدال و آرامش قرار داشته باشد.

در کتاب قانون در طب، ابن‌سینا نظریه‌ی مزاج (میزاج) را بنیان طب جسمانی می‌داند (ابن‌سینا، ۱۳۸۶، ج ۴: ۱۴۸). او معتقد است که بدن انسان از چهار خلط اصلی (دم، صفرا، بلغم، سودا) تشکیل شده و سلامت، هنگامی حاصل می‌شود که این اخلاط در کمیت و کیفیت خود در حالت تعادل باشند. اما در کنار این تحلیل فیزیولوژیک، او در آثار فلسفی خویش، مانند الاشارات و التنبيهات و الشفاء، به بُعد روحانی این تعادل نیز اشاره می‌کند. از نظر وی، روح انسانی دارای مراتب سه‌گانه (نباتی، حیوانی و ناطقه) است و میان کارکرد این مراتب و وضعیت مزاجی بدن رابطه‌ای دوسویه وجود دارد. بدین معنا که اختلال در مزاج می‌تواند موجب تضعیف قوا و پریشانی روان گردد، و بالعکس، حالات روحی چون خشم، غم یا خوف می‌توانند بر وضعیت جسمی اثر مستقیم بگذارند.

ابن‌سینا با تأکید بر مفهوم «نفس ناطقه» به عنوان حاکم بدن، نشان می‌دهد که روح نه تنها فرمانده بدن است بلکه در درمان بیماری‌ها نیز نقش محوری دارد. او در بحث از «امراض نفسانی» اشاره می‌کند که گاه تغییر در باور، امید یا ایمان بیمار، اثر شفابخش

| موضوع                | آموزه‌های ابن سینا                                                                                                | آموزه‌های قرآن                                                                                                                                            | تفاوت‌ها و شباهت‌ها                                                                                                                                    |
|----------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| خواب                 | خواب را به عنوان زمان بازسازی و تنظیم عملکردهای بدنی و ذهنی می‌داند.                                              | قرآن به خواب به‌عنوان نشانه‌ای از رحمت الهی و آیتی از آفرینش اشاره دارد: «وَجَعَلْنَا لَكُمْ نُومَكُمْ مَبِئَاتًا» (نبأ: ۹).                              | شباهت در توجه به اهمیت خواب برای سلامتی، ابن سینا بیشتر بر جنبه‌های فیزیولوژیک خواب و قرآن به‌عنوان آیتی از آفرینش تأکید دارد.                         |
| طب<br>روحانی         | نفس را به‌عنوان عامل اصلی سلامت روحی و روانی می‌بیند و معتقد است که اعتدال اخلاقی و روانی باعث سلامت جسمی می‌شود. | قرآن به اهمیت تزکیه نفس و قلب سلیم تأکید دارد، مانند: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا» (شمس: ۹).                                | شباهت در تأکید بر تزکیه نفس و قلب سلیم به‌عنوان عامل اصلی سلامت، اما قرآن بیشتر بر هدایت الهی و رابطه با خداوند تأکید دارد.                            |
| نقش عقل              | عقل را به‌عنوان حاکم بر بدن و یکی از ارکان سلامت می‌داند، که باید در تعادل با بدن و روح باشد.                     | قرآن عقل را به‌عنوان هدیه الهی معرفی می‌کند که باید در راستای تقوا و هدایت استفاده شود: «وَعَقْلُهَا عَالِمُونَ» (حجرات: ۳).                              | شباهت در تأکید بر عقل به‌عنوان نیروی هدایتگر، اما قرآن به‌عنوان هدیه الهی و ابن سینا به‌عنوان عقل تجربی و عقلانی در تبیین سلامت و کمال استفاده می‌کند. |
| پیشگیری از بیماری‌ها | تأکید بر پیشگیری از بیماری‌ها از طریق رعایت اصول زندگی سالم مانند تغذیه مناسب، ورزش و خواب کافی.                  | قرآن به حفظ‌الصحة و پرهیز از گناهان به‌عنوان پیشگیری از بیماری‌های روحی و جسمی تأکید می‌کند: «وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ» (ذاریات: ۲۲). | شباهت در تأکید بر پیشگیری، اما ابن سینا بیشتر بر رعایت طبیعی تأکید دارد و قرآن بر پرهیز از گناهان و حفظ‌الصحة برای سلامت روح و جسم.                    |
| هدف نهایی سلامت      | هدف نهایی سلامت کامل انسان در تعادل جسم و روح و رسیدن به کمال انسانی از طریق بهبود وضعیت مزاج و تعادل روح.        | هدف نهایی سلامت روح و رسیدن به قرب الهی و رشد معنوی است: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات: ۱۳).                                     | تفاوت در هدف نهایی سلامت، ابن سینا به تعادل جسمی و روحی و قرآن به تقرب به خداوند و کمال معنوی اشاره دارد.                                              |

جدول (۱) نشان‌دهنده‌ی مقایسه‌ای دقیق میان آموزه‌های بوعلی‌سینا و آموزه‌های قرآنی در زمینه‌ی سلامت جسمانی و روحانی است. از حیث تحلیلی و ساختاری به نظر می‌رسد که اگرچه بوعلی‌سینا در چارچوب فلسفه و طب کلاسیک اسلامی به بیان دیدگاه‌های خود پرداخته و از روش‌های تجربی و عقلانی بهره گرفته است، اما ساختار معرفتی اندیشه او به نحو قابل توجهی با اصول قرآنی و الهی همخوانی دارد. در هر دو دستگاه فکری، انسان موجودی دو بعدی معرفی می‌شود که از ترکیب روح و جسم تشکیل یافته و سلامت او در گرو هماهنگی و تعادل این دو ساحت است. با این حال، در حالی که بوعلی‌سینا بر تعادل طبیعی و عقلانی تأکید دارد، قرآن کریم محور را بر قرب الهی و تزکیه نفس قرار داده و سلامت انسان را نه صرفاً غایت زیستی، بلکه مقدمه‌ای برای تکامل روح و رسیدن به کمال معنوی می‌داند.

از نظر سلامت جسمانی، ابن‌سینا با بنیان‌گذاری نظام مزاج‌شناسی و تبیین تعادل اخلاط چهارگانه، سلامت بدن را حاصل توازن دقیق میان عناصر طبیعی می‌داند. در نگاه او، بدن انسان همانند نظامی پویا است که هرگونه اختلال در آن می‌تواند موجب بیماری شود. این دیدگاه در ظاهر عقلانی و طبی است، اما در عمق خود با تعالیم قرآنی همپوشانی دارد؛ چراکه قرآن نیز بر اصل اعتدال و میانه‌روی در تمامی جنبه‌های زندگی - از جمله تغذیه،

خواب و رفتار - تأکید می‌کند. آیهی «وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا» (اعراف: ۳۱) نمونه‌ای از این هماهنگی است که به نوعی با اصول «حفظالصحة» ابن‌سینا هم‌راستا می‌شود. هر دو دیدگاه معتقدند که زیاده‌روی در هر امری، تعادل بدن و روح را مختل کرده و سلامت انسان را به خطر می‌اندازد. با این حال، قرآن مفهوم سلامت را به سطحی فراتر از بدن ارتقا داده و آن را با عدالت درونی و طهارت اخلاقی پیوند می‌زند، در حالی که بوعلی‌سینا بیشتر از منظر طبیعی و فیزیولوژیک به آن می‌نگرد.

در بُعد طب روحانی نیز تطابق چشمگیری میان اندیشه‌های ابن‌سینا و آموزه‌های قرآنی دیده می‌شود. ابن‌سینا روح را منشأ اصلی حیات و عامل سلامت روان و جسم می‌داند. او بر این باور است که سلامت روحی با اعتدال اخلاقی و روانی پیوند مستقیم دارد، و هرگونه انحراف اخلاقی یا هیجانی می‌تواند موجب بیماری‌های جسمانی شود. این دیدگاه در قرآن با مفهوم تزکیه نفس و قلب سلیم منطبق است. قرآن کریم تأکید می‌کند که رستگاری و سلامت حقیقی تنها از آن کسانی است که روح خود را پاک و تزکیه کرده‌اند. «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا» (شمس: ۱۰-۹). بنابراین، اگرچه زبان و روش استدلال ابن‌سینا فلسفی و عقلانی است، اما مضمون اندیشه‌ی او در هماهنگی با آموزه‌های وحیانی است و نشان می‌دهد که سلامت روح و جسم در اندیشه‌ی اسلامی مفهومی واحد و در هم تنیده است.

در حوزه‌ی نقش عقل و آگاهی در سلامت، ابن‌سینا عقل را نیرویی حاکم بر بدن می‌داند که توانایی حفظ تعادل روحی و جسمی را دارد. او معتقد است که عقل با درک اصول طبیعی و اخلاقی می‌تواند انسان را از بیماری‌ها دور نگه دارد و راه تعادل را به او بیاموزد. قرآن نیز عقل را هدیه‌ای الهی می‌داند که هدف آن هدایت انسان به سوی تقوا و پرهیزکاری است. آیهی «وَعَقِّلُوهَا غَدِلُون» (حجرات: ۳)، نشان می‌دهد که عقل، ابزار فهم الهی و رسیدن به عدالت درونی است. تفاوت در اینجا است که ابن‌سینا عقل را بیشتر از منظر فلسفی و تجربی مورد توجه قرار می‌دهد، در حالی که قرآن بر نقش قدسی و الهی آن تأکید دارد. با این وجود، هر دو بر ضرورت استفاده‌ی صحیح از عقل برای حفظ سلامت و جلوگیری از افراط و تفریط در رفتار و اندیشه تأکید می‌کنند.

از جنبه‌ی پیشگیری از بیماری‌ها نیز همپوشانی‌های معناداری میان دو نظام فکری دیده می‌شود. ابن‌سینا بر «حفظالصحة» به‌عنوان مهم‌ترین اصل طب تأکید دارد و آن را مقدم بر درمان می‌داند. وی معتقد است که با رعایت رژیم غذایی متعادل، فعالیت بدنی و نظم در خواب و استراحت، می‌توان از بروز بسیاری از بیماری‌ها پیشگیری کرد. قرآن نیز در سطحی گسترده‌تر به مفهوم پیشگیری اشاره دارد، اما نه فقط در بُعد جسمانی بلکه در بُعد اخلاقی و روحی؛ یعنی انسان باید از گناه، زیاده‌روی، حسد، خشم و دیگر رذایل که موجب بیماری‌های روحی و حتی جسمی می‌شوند، پرهیز کند. بنابراین، در حالی که ابن‌سینا به پیشگیری طبیعی و تجربی می‌اندیشد، قرآن به پیشگیری اخلاقی و معنوی می‌پردازد و هر دو در نهایت به هدف واحدی، یعنی تعادل وجودی انسان، دست می‌یابند.

در تحلیل نهایی، می‌توان گفت که تفاوت اساسی میان این دو دیدگاه در هدف نهایی سلامت نهفته است. ابن‌سینا سلامت را غایت زندگی دنیوی و شرط لازم برای فعالیت عقلانی و اخلاقی انسان می‌داند، در حالی که قرآن سلامت را مقدمه‌ای برای قرب الهی و تکامل روحانی می‌شمارد. از دیدگاه قرآن، سلامت نه پایان راه بلکه مسیر دستیابی به عبودیت و رشد معنوی است: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات: ۱۳). به عبارتی، اگرچه ابن‌سینا به سلامت به عنوان هماهنگی طبیعی میان قوا می‌نگرد، قرآن سلامت را هماهنگی میان انسان و خالق می‌داند. با این حال، در هر دو رویکرد، تعادل اصل بنیادین است؛ چه در نظام طبیعی و زیستی، و چه در نظام معنوی و الهی.

در جمع‌بندی، می‌توان نتیجه گرفت که ابن‌سینا و قرآن، هر دو با روش‌ها و زبان‌های متفاوت، در پی ارائه‌ی مدلی جامع از سلامت انسان هستند. ابن‌سینا با تکیه بر عقل و تجربه، و قرآن با اتکا به وحی و الهام، هر دو به این باور رسیده‌اند که انسان زمانی سالم است که میان جسم، عقل، و روح او هماهنگی برقرار باشد. این همپوشانی نشان می‌دهد که اندیشه‌ی ابن‌سینا، با وجود زبان فلسفی‌اش، ریشه در معرفت و حیانی دارد و طب اسلامی را نه صرفاً علمی تجربی، بلکه دانشی الهی - انسانی می‌داند که هدف نهایی آن، هدایت انسان به سوی کمال و سلامت وجودی است.

## ۶. نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که بوعلی‌سینا در آثار خود به‌ویژه در زمینه طب روحانی و جسمانی، با تأکید بر تعادل میان روح و جسم به سلامت انسانی پرداخته است. مقایسه‌ی این دیدگاه‌ها با آموزه‌های قرآنی و روایی نشان می‌دهد که هم‌راستایی قابل توجهی میان نظریات ابن‌سینا و اصول دینی وجود دارد، به‌ویژه در زمینه‌های تغذیه، ورزش، خواب و پیشگیری از بیماری‌ها. همچنین، این تحقیق نشان داد که ابن‌سینا نه تنها به سلامت جسمی بلکه به سلامت روحی از طریق تزکیه نفس و اعتدال اخلاقی تأکید دارد که با مفاهیم قرآنی همچون قلب سلیم و تزکیه نفس هم‌راستاست.

این یافته‌ها به‌طور خاص در ادبیات پژوهشی طب اسلامی و سلامت انسان کمک می‌کنند و می‌توانند به‌عنوان مبنای نظری برای بهبود مدل‌های درمانی اسلامی و به‌ویژه تلفیق طب سنتی با آموزه‌های دینی به کار روند. این پژوهش از منظر نظری نیز موجب گسترش و عمیق‌تر شدن درک ما از سلامت جامع در اندیشه اسلامی و فلسفه پزشکی ابن‌سینا می‌شود. با این حال، محدودیت‌های اصلی مطالعه به روش‌شناسی تطبیقی و دسترسی به منابع قرآنی و روایی برای تحلیل عمیق‌تر مفاهیم طب روحانی و جسمانی محدود می‌شود. علاوه بر این، مطالعات مشابه باید به‌طور گسترده‌تری بر اساس مفاهیم جدید پزشکی و در نظر گرفتن دیدگاه‌های معاصر تکمیل شود.

پیشنهاد می‌شود که مطالعات آینده بیشتر بر کاربردهای عملی و گسترش طب اسلامی



در دنیای معاصر متمرکز شوند. همچنین، بررسی رویکردهای فلسفی و دینی در درمان بیماری‌ها با دیدگاه‌های جدید علمی می‌تواند راه‌های جدیدی برای هم‌گرایی علوم پزشکی و آموزه‌های دینی فراهم کند.

#### منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن‌سینا، حسین بن عبدالله. (۱۳۸۲). الشفا (الهیات و طبیعیات). ترجمه عبدالحسین زریاب خویی. تهران: دانشگاه تهران.
۳. ابن‌سینا، حسین بن عبدالله. (۱۳۸۶). قانون در طب. تصحیح عبدالرحمن بدیع‌الزمانی. تهران: انتشارات سروش.
۴. امدادی، احمد. (۱۳۹۹). کاوش مبناشناختی مؤلفه‌های فلسفی در تحلیل عقلانی معاد جسمانی. پژوهش در آموزش معارف و تربیت اسلامی، ۱۱(۱)، ۶۳-۸۴.
۵. حبیبی، نجف‌غلی و کردی اردکانی، علی. (۱۳۹۳). «تحلیل دیدگاه ابن‌سینا در ارتباط میان روان و بدن». فصلنامه پژوهش‌های فلسفی. ۵(۲)، ۱۲۰-۱۴۰.
۶. حیدری، علی احسان، کشاورز، حسین، و نوری سپهر، محمد. (۱۳۹۱). مروری بر مبانی اخلاق پزشکی در کتاب قانون بوعلی سینا. مجله ایرانی اخلاق و تاریخ پزشکی، ۵(۵)، ۶۱-۶۹.
۷. خاکدوست، حمیدرضا، و رجب نژاد، محمدرضا. (۱۳۹۹). طب روحانی، جدال عقل و هوی از دیدگاه رازی. تاریخ پزشکی، ۱۲(۴۲)، ۸۹-۹۷.
۸. رفیعی، بهروز. (۱۳۹۵). دلالت‌های تربیتی در آثار بوعلی. کنفرانس بین‌المللی نوآوری در علوم و تکنولوژی.
۹. سراج، شمس‌اله، و حبیبی منش، هدی. (۱۳۹۷). آموزه «سعادت و رستگاری» از منظر ابن‌سینا. خردنامه صدرا، ۲۳(۴ (پیاپی ۹۲))، ۸۹-۱۰۲.
۱۰. شمسایی، فاطمه و طبائی، سارا. (۱۳۹۸). «سلامت روحی در فلسفه ابن‌سینا با تأکید بر تعالیم اسلامی». مجله مطالعات اسلامی و انسانی. ۱۲(۳)، ۲۳-۴۶.
۱۱. علی‌زاده، مهدی. (۱۳۹۹). «نقش مزاج‌شناسی در پیوند جسم و روح در اندیشه ابن‌سینا». پژوهشنامه فلسفه اسلامی. ۲۴(۱)، ۴۵-۶۸.
۱۲. عمارتکار، الهام، نامدار، حسن، غفاری، فرزانه، فلاحتی، فرامرز، گوشه‌گیر، سیداشرف‌الدین، ناظم، اسماعیل، مینایی، محمدباقر، نیک‌بخت نصرآبادی، علیرضا، مصدق، محمود، محمدی فارسانی، غلامرضا، موحد، مینا، و چوپانی، رسول. (۱۳۹۰). عوامل و داروهای موثر بر اشتها و ارتباط آن با اخلاط از دیدگاه طب

سنتی ایران. تاریخ پزشکی، ۳(۹)، ۵۴-۳۹.

۱۳. فتحی، حسن. (۱۳۹۸). نقد و بررسی کتاب شرح نفس شفا جلد اول، نوشته داود صمدی آملی. پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه های علوم انسانی، ۱۹(۱) (پیاپی ۶۵)، ۲۱۳-۱۹۱.

۱۴. کردی اردکانی، احسان، و صیدی، محمود. (۱۳۹۶). مبانی انسان شناختی طب سنتی- ایرانی با تاکید بر آرا ابن سینا و مقایسه آن با طب مدرن. دین و سلامت، ۵(۲)، ۴۹-۴۱.

۱۵. لطیفی، سیدامیرحسین، حاجی رحیمیان طسوجی، محمدحسن، رجب نژاد، محمدرضا، اسدی، محمدحسین، و محمودی، سیدعبداله. (۱۴۰۰). بررسی نقش اعراض نفسانی در پایداری سلامت یا ایجاد بیماری. طب مکمل، ۱۱(۴) (پیاپی ۴۱)، ۳۱۵-۳۰۴.